هدف انفجار کابل، نمایشگاه کتاب نبود



معاون مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات در افغانستان از تعیین تکلیف نمایشگاه کتاب ایران و افغانستان خبرداد و گفت: هر زمان شرایط به حالت عادی برگردد نمایشگاه ادامه می‌یابد. سومین نمایشگاه بزرگ کتاب ایران و افغانستان ویژه دانشجویان و دانشگاهیان که قرار بود از صبح امروز آغاز به کار کند درپی یک حادثه به حالت تعلیق درآمد. نوروزی با بیان این‌که ۴۶ ناشر ایرانی و نمایندگی در کنار ۴۰ ناشر افغانستانی ۸۶ غرفه را دایر کرده بودند، ابراز کرد: حمله امروز به دانشگاه کابل ربطی به نمایشگاه کتاب نداشت، هدف این حمله بخش قضایی در سمت دیگر دانشگاه بود که ایتالیایی‌ها آن را مدیریت می‌کنند، اما چون همزمان با افتتاح نمایشگاه کتاب بود، دانشجویان و ناشران و مقامات مسؤول به سرعت از آن خارج شدند. وی افزود: هر زمان شرایط به حالت عادی بازگردد نمایشگاه ادامه می‌یابد. چون در حال حاضر به دلیل مسائل امنیتی دانشگاه تعطیل شده نمایشگاه هم تعطیل شد، اما تلاش داریم تا آخر مشب تکلیف مشخص شود./ فارس

روایت دست اول حامد عسکری از حادثه خونین دانشگاه کابل

گلوله کم می‌آورید ما بسیاریم...





حامد عسکری دوست شاعر و نویسنده ما در جام جم چند روزی است به بهانه نمایشگاه کتاب مشترک ایران و افغانستان مهمان این کشور دوست و همزبان و هم ریشه است و اتفاقا در بطن و متن فاجعه خونبار دانشگاه کابل حاضر بوده، روایت دست اول این حادثه را به قلم او بخوانید.

شب داخلی:

شب است، در اتاقی توی رایزنی فرهنگی ایران در کابل دراز کشیده‌ام. گوشی را قبل از به شارژ زدن چک می‌کنم، روی عکسی که توی هرات با تفنگ نگهبان هتل گرفته‌ام و برای پدرم فرستاده‌ام ریپلای زده: با کلمه با دشمنت بجنگ بچه جان، دنیا خیلی از تفنگ خسته شده پسرم، گل...گل...قلب. نخودی می‌خندم، یک فلاسک چای، یک خوشه انگور هراتی نشسته‌اند کنارم. دارم برایشان رمان درویش پنجم ره‌نورد زریاب را می‌خوانم، رسیده‌ام به آنجا که دو کلپاسه(سوسمار بزرگ) دارند به زن و مردی که شکم کوه وسط شهر کابل را شکافته‌اند تا زمینش را مسطح کنند و کلبه‌ای محقر بسازند... موقعیت داستانی‌اش حیرت‌آور است، دو خزنده که جفتند و زن و شوهر زبان گشوده‌اند به اعتراض این‌که چاک این صخره‌ها که کنده‌اید خانه ما بوده شما ویران و غصبش کرده‌اید. این‌قدر بهت‌آور است که دلم نمی‌آید ادامه بدهم، کتاب را می‌بندم تا شیره کلمات را بمکم. کجای مرور است یادم نیست، پلک‌هایم روی هم می‌آید و خوابم می‌برد.

شب خیلی داخلی:

حاجی نمازیان، مرد خدا بود در کرمان. با عینکی کائوچویی و گرد و عبایی شتری رنگ منبر می‌رفت. با حمزه (دوستم) کرمانی‌ام می‌رویم به زیارت حاج‌قاسم. حمزه جلو می‌افتد، پاتند می‌کنم، خم شده از توی قبری چیزی بیرون می‌کشد. نزدیک می‌روم، حاجی نمازیان است، پیچیده در کفن و سری بیرون آمده از آن، توی بغل حمزه‌است. مدام حمزه را می‌بوسد، ترسیده‌ام می‌گویم چه خبر است؟ می‌گوید قبرش را آب ورداشته‌بود. صدایم کرد، بیرونش آوردم قبرش را تعمیر کنم. بوسه‌های حاجی متواتر است. قبر ترمیم می‌شود. حاجی نمازیان تشکر می‌کند، دوباره حمزه را می‌بوسد و دفنش می‌کنیم. خیس و خاک آلوده از خواب می‌پرم....

روز خارجی:

بد خوابیده‌ام و سبک در اتاق را می‌زنند. ۶ صبح است، نماز می‌خوانم، دوش می‌گیرم، شیکان پیکان می‌کنم. مهمان برنامه زنده بامداد خوش از شبکه طلوعم. دوش آب داغ هم پف صورتم را نخوابانده، این را وقت برس کشیدن موهایم می‌فهمم. چندبار لپ‌هایم را باد می‌کنم و روی پلک‌هایم در حد تحملم سیلی می‌زنم، محکم چشم‌هایم را می‌بندم و وا می‌کنم. ماشین می‌آید، رایزنی یک قرآن و یک دیوان مولانا را هدیه آورده برای برنامه. عقب نشسته‌ام قرآن باز می‌کنم: هل یستوی الذین یعلمون... از چند در فولادی ضخیم و قطور رد می‌شویم و به استودیو می‌رسیم. گپ می‌زنیم و یکی دو غزل می‌خوانم. گفت‌وگوی مطبوعی بود و راضی می‌زنم بیرون. دکتر نوروزی، رایزن می‌گوید برگردیم رایزنی صبحانه بخور، ۱۰ می‌آیم دنبالت برویم افتتاحیه نمایشگاه کتاب. نیمروی خوبی تیار کرده‌اند، می‌خورم و یکی دو توییت می‌نویسم و خبرهای ایران را مرور می‌کنم. راننده رایزنی یک ربع به ۱۰ زنگ می‌زند برمی‌دارم: آمیرصاحیب عسکری شما حاضرید برویم پوهنتن؟ پوهنتن یعنی دانشگاه، می‌گویم آمدم. با ماشین وارد دانشگاه می‌شویم. افتتاحیه در سالن اجتماعات دانشکده هنرهای زیباست. در و دیوار پر است از نقاشی دانشجوهای نوخاسته و برنا. گذری مرورشان می‌کنم. توی سالن چند مرد مسلح ایستاده‌اند و تأمین امنیت مراسم را به عهده دارند. وارد سالن می‌شوم، پر نیست کچل هم نیست. وزیر فرهنگ، سفیر ما، یک نماینده مجلس، جمعی از ناشران و دانشجویان نشسته‌اند. سالن سرد است. برق اینجا خیلی‌گران است و به همین خاطر دیر گرمایشی‌ها را روشن می‌کنند. عاقله مردی روی یک صندلی نشسته، سازی در آغوش دارد و با لحنی شکروار می‌خواند: بی‌حرمتی به ساحت خوبان قشنگ نیست، باورکنید پاسخ آیینه سنگ نیست. بیخ دلم می‌لرزد، مثل همه مراسم افتتاحیه‌های جهان سخنرانی داریم؛ اما فرقشان این است که انگار ابوالفضل دبیر دارد حرف می‌زند، چندتا کلمه و ترکیب تازه توی گوشی یادداشت می‌کنم از حرف‌هایشان. وقت شعرخوانی من است. توی هرات نیمه‌شب غزلی مرتکب شده‌ام، بیت آخرش این است: برادر رسید و بغل کرد من را... بخواب انتحاری...بخواب انتحاری...کل سالن دست می‌زنند، غزل دوم را شروع می‌کنم. به بیت دوم نرسیده برق می‌رود، صدا قطع می‌شود، غزل را ادامه می‌دهم، تا انتها، آخرین آیتم گویا منم، با مجید می‌زنم بیرون. دارم دست می‌شویم، مجید می‌گوید بدو! می‌گویم چه شده؟ می‌گوید بدو باید بریم! می‌گویم کجا؟ می‌گوید بریم سفارت. می‌گویم نمایشگاه. می‌گوید اون ور دانشگاه انتحاری زدن، نمی‌دانم چرا نمی‌ترسم! نه من هنوز آنقدرها آدم محکمی نشده‌ام. توی بهتم که یعنی چه؟ می‌دویم تا ماشین، صدای تیراندازی می‌آید. می‌نشینیم عقب ماشین سفارت وگازکش می‌رویم سمت رایزنی. همه دارند از دانشگاه می‌ریزند بیرون، قیامتی است. در قطور و فولادی وکشویی رایزنی باز می‌شود. می‌چپیم تو. به همسرم پیام می‌دهم. حالش را می‌پرسم. تلویزیون اتاق شبکه طلوع خبر فوری می‌رود. خبرنگارها هوریز کرده‌اند، جلوی در و اطراف دانشگاه. اتاق من طبقه دوم رایزنی است و تقریبا نزدیک به دانشگاه. تلویزیون گزارش می‌دهد، انتحاری‌ها سه نفر بوده‌اند، از در شمال دانشگاه وارد دانشکده حقوق شده‌اند و همه را به رگبار بسته‌اند، آمار شهدا آرام آرام بالا می‌رود، عین ضربان قلب من، عین حجم بغضم. روال انتحاری‌ها این است، چند نفر را سپر انسانی می‌کنند، تا آخرین گلوله می‌جنگند، اگر بتوانند فرار کنند که فرار و اگر نه یک کلیک روی ریموت و بوووم تمام....

مجید آمده توی اتاقم مشغول گپ زدنیم که صدای انفجار می‌آید. مجید می‌گوید یکی‌شان ترکید، از پنجره سمت دانشگاه را نگاه می‌اندازم، مخروطی از دود به هوا بلند است. مجید می‌رود. زل زده‌ام به تلویزیون، هیچ چیز نمی‌شنوم، بیخ حلقم مزه خاک می‌دهد. انفجار دوم دوباره یک مخروطی درست می‌کند وسط آسمان خاک آلود کابل. دومی هم می‌ترکد. تقریبا دیگرچیزی نمی‌فهمم. اشک و بهت... برگشته از چند صدمتری مرگم حالا. از خودت بدت می‌آید که بگویی الحمدلله که سالمم؟ وجدانت نخ کش نمی‌شود؟

شب داخلی:

تلویزیون روشن است. همه محکوم می‌کنند و تحلیل ارائه می‌دهند. یکی می‌گوید طالبان بوده‌اند یک می‌گوید داعش، یکی دیگر می‌گوید کار نیوطالبان است، چون طالبان قول داده در شهرها کاری نکنند. اسکرین شاتی از آخرین چت یکی از دانشجویان به دوستش این است، لالاجان اینها لباس نظامی دارند و اردو گپ می‌زنند، اصلا چه فرقی می‌کند؟ من به مادری فکر می‌کنم که صبح به دخترش گفته لباس بسیار بپوش خزان است، به پسری که امروز عصر با معشوقه‌اش جلوی در نمایشگاه کتاب قرار داشته و می‌خواسته برایش ملت عشق بخرد. یا مجموعه شعر قهار عاصی یا رمان درویش پنجم را. به همه شهدا و مجروحانی که پارسال همین موقع‌ها بود کنکور خزانی داده‌بودند که وارد دانشگاه شوند و چراغی باشند برای دل پدر و مادرشان...

زیرنویس می‌زند ۲۲ کشته و ۲۵ زخمی در حمله انتحاری به پوهنتن کابل. شیراحمد، ناشر نازنین افغانستانی در واتس‌اپ می‌گوید دل داری عکس‌های امروز را ببینی؟ تلخ‌ترین بله عمرم را می‌گویم. سه تایشان را می‌بینم و دندان عقلم تیر می‌کشد. اتاق، دیوارهایش به هم نزدیک می‌شوند. عکس‌ها را پاک می‌کنم، می‌رسم به عکسی که دیروز شیراحمد برایم فرستاده: پوستر نمایشگاه کتاب امسال دانشگاه کابل است: امید شاید در صفحه بعد باشد کتاب را نبندیم.

تیتر مطلب، شعار دانشجویان دانشگاه کابل و مردم در تظاهرات اعتراضی به همین فاجعه است.

افروختن و سوختن و جامه دریدن



افروختن

در اقلیم ما رسم بر این بوده که کتاب‌ها تمهیدیه داشتند. با نام خدا شروع می‌شدند و بعد از ذکر مفصلی از مناقب و حمد حضرت رسول (ص) به مقدمه و شروع کتاب می‌رسیدند. هنوز هم این رسم در کتاب‌های اقلیم ما، فارغ از این که چه نویسنده یا چه محتوایی داشته باشند، پا برجاست. ما همچنان کتاب‌هایمان را با نام خدا و حمد رسول شروع می‌کنیم و شما همچنان آن را به خون‌مان رنگ می‌زنید.



سوختن

ما می‌سوزیم. ما سال‌هاست می‌سوزیم. سرمان توی درس و بحث خودمان بود. هنرمان را نقش می‌زدیم و کتاب‌مان را می‌نوشتیم و روزگارمان جور بود. تا قبل از این که شما بخواهید این سرزمین را هم مثل بقیه مستعمره‌هایتان تصرف کنید. تا وقتی که تلویزیون و کامپیوترمان شد سفیر فلان شرکت تجاری شما و ما شدیم بازاری که برای داشتن آن، باید مردمانی کاشت که بکشند و بسوزانند.



جامه دریدن

اصلا ما دیگر عادت نداریم دیوار صاف ببینیم. هر جای این اقلیم که گذر کنیم و دست روی در و دیوارهایش بکشیم، خاطرات گلوله را می‌بینیم. خاطرات گلوله بخشی از زندگی ما شده‌است و حالا در چاردیواری‌هایی که جا به جا با فشنگ‌هایی با مارک تولیدی شما فرو رفته، درس می‌خوانیم و بحث می‌کنیم که این تاریکی را بشکافیم.

شرکت کشت و صنعت مجتمع امداد سپاهان گلدشت در نظر دارد، عملیات برداشت ۴۰ هکتار ذرت علوفه‌ای خود را واقع در فیروزآباد استان فارس از طریق استعلام بها به پیمانکار واجد شرایط واگذار نمایید.
◄ متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۳۱۴۲۶۰۲۷۲۵ تماس حاصل نمایند.

مشارکت بانک توسعه تعاون استان البرز در اهدای تبلت به دانش‌آموزان نیازمند

با همکاری بانک توسعه تعاون و کمیته امداد امام خمینی استان البرز ۶۶ دستگاه تبلت میان دانش آموزان نیازمند استان البرز توزیع گردید.

علی غیاثی مدیر بانک توسعه تعاون استان البرز در جلسه‌ای که با حضور مدیرکل کمیته امداد امام خمینی استان البرز و معاون پرورشی و فرهنگی اداره کل آموزش و پرورش استان البرز برگزار شد اظهار داشت: بانک توسعه تعاون به عنوان نهاد توسعه‌ای همواره محورهای همکاری با سازمان‌های اجتماعی به ویژه کمیته امداد امام خمینی و آموزش و پرورش را برقرار نموده است.

وی افزود: آموزش به عنوان مهم‌ترین محور و زیربنای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته‌شده است و در وضعیت کنونی، فراهم‌سازی زیرساخت الکترونیک برای تحصیل دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. وی گفت: این مرکز باهدف انجام امور خیریه و فعالیت هدفمند در جهت توانمندسازی اقشار ضعیف تشکیل‌شده است و با همکاری نهادهای مرتبط به ویژه کمیته امداد امام، در مسیر ایفای مسئولیت اجتماعی گام برمی‌دارد.

اصلاح مصوبه واگذاری سهام دولت در صندوق ETF

هیات دولت در جلسه‌ای که به ریاست دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهور برگزار شد، مصوبه واگذاری سهام دولت در صندوق ETF را اصلاح کرد. به گزارش روابط عمومی سازمان خصوصی‌سازی به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، هیات وزیران در این جلسه در راستای انتقال حقوق مالکانه سهام هریک از صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس (ETF) از زمان شروع پذیره‌نویسی به صندوق، با اصلاح مصوبه واگذاری سهام دولت در صندوق مزبور و الحاق یک بند به آن موافقت کرد. به موجب اصلاحیه مذکور، از زمان شروع پذیره‌نویسی واحدهای هریک از صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس از زمان شروع پذیره‌نویسی واحدهای هر یک از صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس (ETF)، کلیه حقوق مالکانه سهام از جمله سود سهام، حق تقدم و سهام جایزه، متناسب با سهام مورد انتقال، متعلق به صندوق مربوطه خواهد بود و سازمان خصوصی‌سازی مکلف است نسبت به انتقال حقوق مالکانه به صندوق اقدام نماید.

پست بانک ایران

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای شماره ۲-۹۹

پست بانک استان گیلان تعدادی از املاک تملیکی خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی یک مرحله ای به فروش می رساند. متقاضیان می توانند برای آگاهی از شرایط مزایده و مشخصات املاک و دریافت اوراق و شرکت در مزایده و ارائه پیشنهادات، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی اینترنتی www.Setadiran.ir و برای بازدید املاک به کمیسیون معاملات پست بانک گیلان به نشانی: رشت، سبزه میدان، مدیریت شعب پست بانک گیلان، طبقه سوم مراجعه نمایند. مشخصات املاک و شرایط کامل مزایده در سایت پست بانک (www.postbank.ir) بخش روابط عمومی/مناقصه و مزایده نیز قابل مشاهده می باشد.

- تاریخ انتشار آگهی: ۹۹/۰۸/۱۴ • مهلت بازدید املاک: از تاریخ انتشار تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه ۹۹/۰۹/۰۲
- مهلت دریافت الکترونیکی اسناد از سامانه فوق: حداکثر تا ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه تاریخ ۹۹/۰۹/۰۴
- مهلت بارگذاری و ثبت الکترونیکی پیشنهادات در سامانه فوق: حداکثر تا ساعت ۱۶ روز سه‌شنبه تاریخ ۹۹/۰۹/۰۴
- نشست گشایش پاکت‌ها: روز چهارشنبه تاریخ ۹۹/۰۹/۰۵ ساعت ۱۰ صبح در نشانی فوق
- شماره‌های تماس با کمیسیون ۳۳۲۳۵۷۶۷-۰۱۳ و ۳۳۲۳۶۵۱۶-۰۱۳ می‌باشد.

۱۰۳۷۴۱۲

نوبت دوم

سازمان تامین اجتماعی مدیریت درمان استان اصفهان بیمارستان دکتر شریعتی

آگهی مناقصه تهیه و ساخت و نصب و راه‌اندازی تابلو پست برق Change ower بیمارستان دکتر شریعتی اصفهان

بیمارستان تامین اجتماعی دکتر شریعتی اصفهان در نظر دارد، تهیه و ساخت و نصب و راه‌اندازی تابلو پست برق change ower را از طریق پیمانکار واجد شرایط خریداری و نصب نماید.

ردیف	شرح	زمان و مکان
۱	انتشار آگهی و توزیع اسناد مناقصه	روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۰۸/۱۴ و روز پنجشنبه ۹۹/۰۸/۱۵ به آدرس: www.setadiran.ir سامانه تدارکات الکترونیک دولت
۲	مهلت تحویل پیشنهادات (حداقل ۱۰ روز کاری پس از آخرین تاریخ توزیع)	تا پایان وقت اداری مورخ ۹۹/۰۹/۰۲ به آدرس فوق‌الذکر
۳	روز بازگشایی اسناد مناقصه	مورخ ۹۹/۰۹/۰۳ در مدیریت درمان استان اصفهان خیابان مشتاق
۴	مبلغ ضمانت شرکت در مناقصه	مبلغ ۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۵	آدرس پستی بیمارستان شریعتی اصفهان	اصفهان، خیابان چهارباغ بالا، بیمارستان دکتر علی شریعتی کدپستی ۸۱۷۳۷۴۵۳۸۴
۶	کد اقتصادی و شناسه ملی بیمارستان	کد اقتصادی: ۴۱۱۱۱۱۵۷۵۶۳۵ و شناسه ملی: ۱۴۰۰۰۲۶۱۶۶۵

سازمان تامین اجتماعی مدیریت درمان استان سمنان

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

تخریب، بازسازی و اجرای کامل بخش آزمایشگاه بیمارستان شفاء تامین اجتماعی سمنان

مدیریت درمان تامین اجتماعی استان سمنان در نظر دارد؛ تخریب، بازسازی و اجرای کامل بخش آزمایشگاه بیمارستان شفاء تامین اجتماعی سمنان با مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شرکت‌های واجد صلاحیت و مجوز از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۹۹/۰۸/۱۸ لغایت ۹۹/۰۸/۲۴ صرفا با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام و پیشنهادات خود را تا تاریخ ۹۹/۰۹/۰۴ به‌شرح اسناد مناقصه تحویل دستگاه مناقصه‌گزار نمایند.

روابط عمومی مدیریت درمان تامین اجتماعی استان سمنان